

بسم الله الرحمن الرحيم

شرح خطبه فدکیه - جلسه نهم

حقوق چندگانه حضرت زهرا سلام الله علیها شامل موارد متعددی بود که دستگاه خلافت آن را غصب کرد. رویکرد اول دستگاه خلافت، رد شهود بود که گفتند: اولاً شهود ذی نفع هستند و دوم اینکه شهود باید عدلین باشند. در مورد اینکه شهود ذی نفع هستند در بعضی گزارش ها آمده که گفته اند همه شهود ذی نفع هستند و در بعضی دیگر آمده که گفته اند فقط حضرت علی علیه السلام ذی نفع هستند. ابوبکر یا عمر به حضرت علی علیه السلام گفت: «شما دارید برای خودتان مقدمه سازی می کنی!» در دسته ای از گزارش ها آمده که حضرت علی علیه السلام را بخاطر ذی نفع بودن رد کردند و اسماء و ام ایمن را بخاطر اینکه دو زن بودند، رد کردند. اگر با این خدشه که افراد ذی نفع نمی توانند شهادت بدهند، موضوع شهادت رد بشود، پس در مساله ارث که جناب ابوبکر روایتی از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که پیامبران ارث نمی گذارند، تمام کسانی که به این موضوع شهادت دادند خودشان ذی نفع نبودند؟ وقتی اموال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تحت تملک حاکمیت قرار بگیرد، خلفا ذی نفع می شوند؛ پس اگر قرار باشد ذی نفع بودن باطل کننده شهادت باشد، پس شهادت شما هم باطل است و در سطح بالاتر کسانی که شهادت دادند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد جانشین چیزی نفرمودند و امر را به امت واگذار کردند، این شهادت به نفع شما نبود؟ مگر بعد سکان دار خلافت نشدید؟ پس این شهادت هم باطل است. اگر قرار باشد بپذیریم شهادت ذی نفع باطل است، نتایج غیرقبولی پیش خواهد آمد. مفهومی که می گوئید: حضرت علی ب علیه السلام

رای نفع خود کار کردند و شخصی که شهادت می دهد نباید ذی نفع باش؛ یعنی شاید ذی نفع شهادت ناحق و دروغ بدهد! نکته اول این که قاعده ای که بیان کردید شهادت ذی نفع باطل است و آن را در مورد حضرت علی علیه السلام بیان کردید، این در حالی است که شما ایشان را اعلی الناس و افضی الناس می دانید. دهها بار عمر در قضایای مختلف بیان کرد که اگر حضرت علی علیه السلام نبود، عمر از بین می رفت؛ یعنی حضرت راهنما و هدایت کننده همه مردم بودند. شخصیتی که عمر با آن همه عظمتی که نزد شما دارد در مورد ایشان این طور سخن می گوید، و همچنین شخصیت حضرت زهرای مرضیه، سرور زنان بهشت، حکم باطل بودن شهادت ذی نفع را بلد نبودند؟ و شما دارید به آن ها حکم یاد می دهید؟ نکته دوم این که دو شخصیت بزرگوار باید در مساله ذی نفع مورد مظان قرار بگیرند در حالی که افطار سه شب خود را به فقیر انفاق کردند؟ در حالی که حضرت زهرا سلام الله علیها پیراهن شب عروسی خود را انفاق کردند و حضرت علی علیه السلام که همه مردم به زهد ایشان آگاه بودند، این دو شخصیت به حق مسلمانان ظلم کنند و تا آخر عمر بر خواسته خود پافشاری کنند و دنبال مال حرام بودند؟ اگر در عالم کسی باشد که برای دنیا ارزشی قائل نباشد حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها بودند. فرض کنیم شهود را قبول نداشتید، وظیفه شما حفظ شأن و جایگاه آل الله بود. محمد ابن محمد خوارزمی از فرقه معتزله در کتابی سخنان خود را به شیعه انتصاب می دهد که چگونه ممکن است حضرت فاطمه سلام الله علیها با این شخصیت بی نظیری که دارند به همه مسلمانان دروغ بگویند و ظلم کنند و تا آخر عمر بر آن پافشاری کنند؟ خوارزمی در پاسخ می گوید: ما شخصیت والای حضرت زهرا سلام الله علیها و صدق ایشان را قبول داریم؛ ولی این باعث نمی شود ما قاعده بینه را نفی کنیم؛ یعنی هر کس حتی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باید برای اثبات ادعای خود بینه بیاورد و بینه باید عدلین باشند. اگر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هم ادعایی بر علیه یک

ذمی بکنند باید حاکم از ایشان بینه بخواند سخنانی که ظاهر زیبا دارند؛ ولی باطن آن ها فاسد است و دین را خراب می کند. پاسخ جناب خوارزمی این است که اگر می گویند ادعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدون بینه پذیرفته نیست، پس چطور مسلمان شدید؟ چه کسی حکم حلال و حرام خدا را تعیین کرد؟ چرا در مسائل اجتماعی، جایی که حضرت اعطا کردند و امساک کردند، در مسائل مالی، در انفاق و حتی در خمس که ذی نفع بودند، بینه نخواستید؟ درخواست بینه از پیامبر، ثبوت دین را از بین می برد. آیا اسلام مسخره نمی شود؟

آیا می دانید این مطلب تناقض درونی دارد؟ یکسری قضایا وجود دارد که اگر بخواهیم حکم آن را بپذیریم، آن حکم باطل می شود. مثلاً یک قضایای عمومی هستند، مثل این که بگوییم همه مردم ایران اهل ایمان و اسلام هستند، به هر حال بعضی افراد پیدا می شوند که اهل ایمان نیستند. این قضیه بیان می کند، در هر قضیه عمومی، یکسری از آن خارج اند. آیا خود قضیه عام، عام نیست؟ پس باید شامل خودش هم بشود؛ یعنی بعضی عامها هستند که تخصیص نخورده اند و خود را باطل می کنند؛ مثلاً یک فرد اهل قم بگوید: همه مردم قم دروغگو هستند، بعد می پرسید: شما اهل کجا هستید؟ می گوید قم، پاسخ می دهید: پس خودت هم دروغگو هستی؛ یعنی سخن شخص، خودش را نقض کرد. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: برای هر ادعا نیاز به بینه است و فرقی میان من و بقیه وجود ندارد، این قضیه درست است؟ آیا شامل خود پیامبر هم می شود؟

آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای خود این قضیه بینه آوردند؟ خیر، حضرت برای هیچ حکمی بینه نیاوردند. اگر بپذیرید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: برای هر دعوی بینه لازم است و شما آن را بپذیرید، خود این مطلب باطل است؛ چون بینه نخواستید. اگر قبول کنید؛ ولو پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای اثبات دعوی خود بینه می خواهد،

برای وجوب این قضیه نیز بینه لازم است و چون بینه نیاورده اند، پس باطل است. یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیازی به بینه ندارند.

حوزه مجازی مهندس طلبه: www.onlinehawzah.com

شبکه‌های اجتماعی: [@onlinehawzah_com](https://www.instagram.com/onlinehawzah_com)

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم